



نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی

ریخته گران، محمدرضا، (۱۳۶۹). تاملی در مبانی هنر و زیبایی: حقیقت و نسبت آن با هنر، فصلنامه هنر، ۱۸۸-۱۵

عبادیان، محمود، گزیده زیباشناسی هگل (تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶).

کاسیرر، ارنست، فلسفه روشنگری، ترجمه یدالله موقن، (تهران: نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۸۲).

کورنر، اشتفان، فلسفه کانت، ترجمه عزت الله فولادوند، (تهران: خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۸۰).

مددپور، محمد، حقیقت و هنر دینی (تهران: سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۸۸).

مددپور، محمد، سیر تفکر معاصر (تهران: سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۶).

نریمانی، گلنار، زیباشناسی هگل (تهران: ققنوس، چاپ دوم، ۱۳۹۴).

<http://bashgah.net/fa/content/show/۳۲۰۱>

بررسی و تحلیل آرمان های عرفان و نقش آن در برقراری اتحاد، صلح و همزیستی
مسالمت آمیز بشر

دکتر یوسف مقدسی

چکیده

عرفان، جهان شمول ترین تفسیر اسلام است و به همین دلیل در امریکا و چین و هر نقطه دیگری از جهان در میان همه انسانها اعم از سیاه و سفید مخاطب می یابد و آنها را تحت تاثیر قرار می دهد. عرفان انسانیت انسان و ساختار وجودی او را اهمیت می دهد نه جامه هایی که بعدها بر تن انسان پوشانده اند مانند پاکستانی بودن، ایرانی بودن یا اهل حبشه بودن.

عرفان مولود دوره رفاه و ایمنی نیست. بلکه زاییده عصر تا ایمنی ها، سنگ دلی ها، آشفتگی ها، کشتارها، نا به سامانی ها و بی ضابطه گی ها در روابط انسانی است و لذا عرفان رؤیای طلایی صلح در دوره خشونت و جنگ است. تمام تلاش عرفان این است که «من» شما را تبدیل به «من» دیگر کند. خویششن شناسی انسان به معنای یک حقیقت هدف عرفان است و در طول زمان از زمان آدم (ع) تا کنون ادامه داشته است. البته فرم تغییر می کند. تفاوت رفتار در حضرت ابراهیم (ع) حضرت موسی (ع) و پیامبر عظیم الشأن اسلام (ص) نیز به همین دلیل است. تحقیق حاضر مبین این است که هیچ فرقه ای به مانند عارفان به فکر مردم نبوده اند زیرا هر فرقه ای طرفداران خود را بر حق و راه



نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی

راست می پنداشتند و فرقه دیگر و طرفداران آن را نجس و ملعون و بر باطل. تنها صوفیان که با همه بشریت صلح و آشتی داشتند و بیش از دیانت و مذهب، دنبال انسانیت می گشتند و الان در جهان حاضر مردمان، دغدغه فطری و روحی شگفت انگیزی برای سیر و سلوک عرفانی حقیقی دارند و آن را ورود به نوعی انسانیت می دانند. بدین طریق از صلح و آشتی پاسداری کرده و بهزیستی و همزیستی را آرزومندند.

واژگان کلیدی: عرفان، فطرت. صلح. همزیستی مسالمت آمیز.

استادیار دانشگاه فرهنگیان آذربایجان غربی، پردیس شهید رجایی ارومیه

Email: mogaddasi۴۸@gmail.com,

مقدمه

انسان موجودی است که هر گاه از روزمرگی فارغ گردیده دچار گونه ای از اضطراب و دلهره شده و غمی مبهم بر جانس سایه انداخته و آنچه را به عیان دیده، ناقص و میرا و زودگذر یافته و می یافته است. این احساس نقص و کمبود و میرایی به هر میزان که انسان رشد کرده و برخوردارتر گشته، بیشتر و قوی تر شده است و ناچار اضطراب و دلهره هم افزون و افزونتر گردیده است. گاه احساس کرده است که از جنس این عالم نیست، بلکه «فطرت» ی متعالی داد و لاجرم خود را زندانی و غریب یافته و ناچار در اندیشه وصل به جهانی بالاتر و والاتر و برتر است، جهانی که در آنجا همه پدیده ها، همجنس و هم رنگ انسان اند، بوده است. از این جهت، نخستین طرحی که در اندیشه بشر در طول تاریخ پیدا شده و همه فرهنگ های بدوی و آغازین نشان می دهد، اعتقاد به جهان برین است. اعتقادی که در همه مذهب ها، فرهنگ ها، فلسفه ها و باورها از همان آغاز، خودنمایی و او را، یعنی انسان را به یافتن راه علاج و نجات و فلاح رهنمون می کند. نجات از جهانی که «دنی» و «پست» و ناپایدار است. تاریخ یونان، تاریخ هند، تاریخ چین، همه و همه نشان می دهد که تلاش در رفتن به دنیای خدایان و قله «مون پاراناس» و رسیدن به «ژئوس» که با نه فرزندش در آن قله ساکن اند و در آن جهان آرام و بی دغدغه زندگی می کنند، همواره ادامه یافته است. جایی که شایسته انسان است و فراتر از خاک! یا همان «نیروانا» یا رجعت و فلاح که در